

# دکتر تیم گامبیس ، غلاطیان، جلسه ۸

## غلاطیان ۶: ۱-۱۸

تیم گومبیس و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر تیم گومبیس در حال تدریس در مورد کتاب غلاطیان است. این جلسه هشتم، غلاطیان ۶: ۱-۱۸ است.

خب، این غلاطیان ۶ است. این سخنرانی پایانی در مورد غلاطیان است.

داریم به انتهای نامه می‌رسیم، جایی که پولس پس از تمام استدلال‌های الهیاتی، نصیحت‌های شخصی، در هم آمیختن استدلال‌های الهیاتی و نصیحت‌های شخصی، چند نصیحت پایانی می‌کند. اما داریم به پایان نامه می‌رسیم، جایی که پولس دوباره به مخاطبانش رو می‌کند و می‌گوید: «ای برادران، حتی اگر کسی در حین ارتکاب گناهی گرفتار شود، شما که روحانی هستید، چنین کسی را با روح ملایمت اصلاح کنید، هر کدام به خودتان نگاه کنید، مبادا شما نیز وسوسه شوید.» بنابراین، یک بار دیگر، حتی نصیحت‌هایی مانند این، ما در حال خواندن بر اساس وضعیت بلاغی بین پولس به عنوان یک رسول هستیم که سعی می‌کند وضعیتی را که در غلاطیه وجود دارد، اصلاح کند.

خب، این با در نظر گرفتن این موضوع است. حالا، چون این موضوع تا حدودی عملی است، به راحتی می‌توان آن را در هر موقعیتی به کار برد. اگر این را در هر موقعیتی به کار ببریم، چیز خوبی است.

اما این آیه را در موقعیت ارتباطی اصلی‌اش بخوانید. پولس خطاب به شما که روحانی هستید، صحبت می‌کند. این نوع تمایزی نیست که ما ممکن است بین مسیحیان عادی و نخبگان فوق روحانی قائل شویم.

این هر کسی است که در این قلمرو روح ساکن است، هر کسی که در آن قلمرو است، به آن موقعیت بپردازد، و آن نوع شخص را احیا کند، مراقب باشد که شما نیز وسوسه نشوید. بنابراین، هر کسی که در روح است هدف این نصیحت است. اگر در اینجا به گناه فکر کنید، آنچه پولس ابتدا در ذهن دارد، شخصی است که باید احیا شود.

اولین چیزی که باید به آن فکر کنیم این است که هر کسی که به نمودار قبلی فکر می‌کند، هر کسی که در این آموزه گرفتار شده است که باید به نوعی به آن گروه انحصاری بازگردد و با طیف وسیع‌تری از مردم، آن افراد چند قومی و چند ملیتی، که آنها را در کنار افرادی که قبلاً گناهکار تلقی می‌شدند، قرار می‌دهد، معاشرت نکند. بنابراین، در واقع، پولس به هر کسی که در این آموزه گرفتار شده است فکر می‌کند. شما که از روح هستید، آن شخص را دوباره احیا کنید، نه اینکه آنها را هدف قرار دهید یا به دنبالشان بروید یا آنها را به گوشه‌ای رانده و عقب برانید، بلکه چنین شخصی را با روحیه‌ای از نرمی احیا کنید و مراقب باشید که وسوسه نشوید.

وسوسه اینجا وسوسه‌ای برای بازگشت به آموزه‌ها باشد، بلکه وسوسه ملاقات با کسی است که ممکن است او را مخالف بدانید، وسوسه شدن برای درگیر شدن با خشم یا وسوسه شدن برای درگیر شدن با نوعی زور یا اجبار. باز هم، پولس همه آن رفتارها، زور، اجبار، سلطه و محکومیت را به عنوان ژست‌هایی نسبت به دیگران می‌بیند که فقط ثمره بدی خواهند داشت. این نوعی قانون پولس است.

شما نمی‌توانید با ابزارهای شیطانی عصر حاضر، نتایج خلقت جدید خلق کنید. این وسوسه‌ای است که در واقع با محکوم کردن مردم یا با چرب زبانی یا اجبار آنها، آنها را به سمت رفتارهای خلقت جدید سوق می‌دهد. اما منظور پولس، جذابیت ملایم است، جذابیت ملایم

ضمناً، درخواست ملایم را با فقدان قدرت اشتباه نگیرید. شما می‌توانید کاملاً به ملایمت و احیا و وجود صلیبی شکل و شمول در بدن مسیح، شمول مناسب، متعهد باشید و شجاعت داشته باشید، جسارتی شجاعانه که این غیرقابل مذاکره است، که آن واقعیت غیرقابل مذاکره است. و اگر قرار است کسی در آنجا عنصر فاسدی باشد، افرادی که در رهبری کلیسا هستند باید شجاعانه، با مهربانی، با ملایمت، اما مداوم از همه کسانی که به آن واقعیت می‌پیوندند بخواهند که این کار را بر اساس صلیب انجام دهند، بدون اینکه دیگران را طرد کنند، بدون اینکه به گونه‌ای رفتار کنند که از نظر هویت مسیحی مناسب نامناسب باشد

بنابراین، صرفاً به این دلیل که ما به شکل صلیب هستیم، به این معنی نیست که هیچ نوع ستون فقرات خلقت جدید نداریم. اما آنچه از ما پشتیبانی می‌کند این واقعیت است که ما نیز توسط مسیح متعال ادعا می‌شویم. اینطور نیست که آنچه از ما پشتیبانی می‌کند این باشد که در مقطعی، قرار است کنترل خود را از دست بدهیم.

این قدرت نیست. این از دست دادن ایمان به واقعیت‌های خلقت جدید است. بنابراین پولس از مردم غلاطیه می‌خواهد که چنین شخصی را بدون اینکه درگیر درگیری شوند، بدون اینکه به هیچ نوع حالت تلافی‌جویانه‌ای کشیده شوند، احیا کنند.

در آیه ۲، او به همین منوال ادامه می‌دهد و آنها را نصیحت می‌کند که بارهای یکدیگر را به دوش بکشند. یعنی با یکدیگر صبور باشید، خود را در خدمت یکدیگر قرار دهید و از این طریق شریعت مسیح را به جا آورید. حال، این اصطلاح، شریعت مسیح، شریعتی جداگانه در مقابل شریعت موسی نیست.

اینطور نیست که شریعت موسی دیگر هیچ حقی بر مؤمن نداشته باشد، اما ما تحت شریعت مسیح هستیم. پولس هنوز در مورد تورات صحبت می‌کند. با این حال، شریعت از دریچه مسیح خوانده می‌شود.

بنابراین، شریعت برای مسیحیان غیریهودی غلاطیه همچنان جزو کتب مقدس است. فقط اینکه آنها تا جایی که مسیح آنها را ادعا می‌کند با شریعت مرتبط هستند و آن را به عنوان کتاب مقدس در نظر می‌گیرند و برای شناخت شخصیت خدا به آن مراجعه می‌کنند. اما آنها به شریعت آنطور که یهودیان با شریعت مرتبط هستند، مرتبط نیستند.

برای آنها، این منشور ملی آنهاست. این منشور، رژیم غذایی، تقویم و شیوه زندگی جامع آنها را تعیین می‌کند البته مبلغان اورشلیم به مسیحیان غیریهودی می‌گویند که شریعت موسی باید منشور ملی آنها نیز باشد، اما این شریعت موسی است که به اشتباه تفسیر و به اشتباه تلقی شده است.

آنها با شریعت به عنوان کتاب مقدس مرتبط هستند، شریعت به عنوان مکانی که در آن با خدای واحد حقیقی روبرو می‌شوند که همچنین وحی شخصیت مسیح است، همانطور که اتفاق می‌افتد. در ادامه با نصایح پولس در آیات ۴ تا ۵ و ۵، به نظر می‌رسد پولس در آیه ۵ چیزی کمی متضاد با آنچه در آیه ۲ می‌گوید می‌گوید. او در آیه ۲ می‌گوید، بارهای یکدیگر را حمل کنید و بدین ترتیب شریعت مسیح را به جا آورید. اما در آیه ۵ می‌گوید که هر کس بار خود را به دوش خواهد کشید

خب، دقیقاً چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ در آیه ۴، پولس به مخاطبانش می‌گوید که هر کدام باید کار خود را بررسی کنند. یعنی هر فرد باید بسیار مراقب باشد و خود را بررسی کند تا ببیند چگونه در زندگی اجتماعی

مشارکت می‌کند تا مطمئن شود که مشارکت مثمر ثمری در جامعه دارد. تنها در این صورت است که آنها به نوعی اطمینان خواهند داشت که وقتی روز مسیح فرا برسد، خواهند دانست، یا بهتر است بگوییم در آن زمان آشکار خواهد شد که آنها واقعاً بخشی از قوم خلقت جدید هستند.

منظور او در آیه ۵ همین است که هر کس بار خود را به دوش خواهد کشید. هر فرد در جامعه با روز آخرالزمان روبرو خواهد شد و با ارزیابی روبرو خواهد شد که آیا واقعاً بخشی از خلقت جدید است یا اینکه بخشی از عصر شر کنونی است. به همین دلیل، هر فرد در جامعه غلاطیه باید دائماً خود را بررسی کند تا مطمئن شود که رفتارش با میوه روح مشخص می‌شود و نه با اعمال نفس.

بنابراین اینگونه است که شما می‌توانید آن دو جمله به ظاهر متناقض را که غلاطیان باید بارهای یکدیگر را به دوش بکشند، در عین حال، هر یک بار خود را به دوش خواهد کشید، با هم آشتی دهید. رفتارهایی که باید در پیش بگیرند، عشق فداکارانه و مراقبت از یکدیگر است، با این آگاهی که در نهایت با داوری روبرو خواهند شد. آیه 7 بسیاری از این نصایح را تأیید می‌کند وقتی پولس می‌گوید: فریب نخورید.

خدا مورد تمسخر قرار نمی‌گیرد. همه اینها تحت نظارت کامل خداست. او هر آنچه را که در جامعه غلاطیه اتفاق می‌افتد، می‌بیند.

خدا مورد تمسخر قرار نمی‌گیرد. زیرا هر چه انسان بکارد، همان را درو خواهد کرد. هر کس در جامعه غلاطیه بر اساس رفتار خود در جامعه، پاداش یا داوری آخرت شناختی دریافت خواهد کرد.

بنابراین، او در آیه ۸ ادامه می‌دهد: «زیرا هر که برای نفس خود بذر بکارد، از نفس فساد درو خواهد کرد. هر که برای روح بکارد، از روح حیات جاودان درو خواهد کرد.» بنابراین، شخصی که رفتاری را می‌کارد و در این قلمرو سرمایه‌گذاری می‌کند، پاداش آن را درو خواهد کرد.

فردی که در روح القدس بذر می‌پاشد، در جامعه سرمایه‌گذاری می‌کند و خود را وقف شکوفایی جامعه‌ی سازمانی می‌کند؛ او پاداش پادشاهی خدا را دریافت خواهد کرد. خدا به طور کامل بر این امر نظارت دارد. به نظر من این نوع صحبت کمی نگران‌کننده است، به خصوص برای افرادی که فکر می‌کنند یک بار نجات یافته‌اند و همیشه نجات یافته‌اند و فقط به نجات از طریق رویداد گذشته‌ی تغییر دین من فکر می‌کنند.

باید به مسیحیان یادآوری شود که اگر من سفر مسیحی خود را آغاز کنم، خداوند را ستایش می‌کنم، اما روز مهم برای پولس و نویسندگان عهد جدید و واقعاً برای همه مبلغان و عمل‌کنندگان سیار، روز مهم برای آنها پایان، روز پایانی است. اگر من تا به حال شروع کرده‌ام، عالی است، اما آنچه مهم است ادامه دادن و به پایان رساندن است. بنابراین بر اساس این واقعیت، پولس می‌گوید، اساساً هر کجا که زندگی خود را به صورت فردی گره بزنید، اما هر کجا که یک جامعه به نوعی خود را وقف کند، آنها آن پایان را به اشتراک خواهند گذاشت.

این فقط واقعیت پولس است. و همانطور که گفتم، از آنجا که برخی از گروه‌های مسیحی به نوعی بر یک بخش از تصویر نجات‌بخش، یعنی لحظه گرویدن، تکیه کرده‌اند و الهیات نجات را از آنجا بنا نهاده‌اند جنبه‌های دیگر تصویر نجات‌بخش، ضرورت استقامت و این واقعیت که داوری‌ای وجود خواهد داشت که ارزیابی می‌کند زندگی ما کجا سرمایه‌گذاری شده است، جوامع ما کجا سرمایه‌گذاری شده‌اند، را از دست داده‌اند. بنابراین، خدا مورد تمسخر قرار نمی‌گیرد، و این پیامی برای جوامع است تا مراقب باشند که به طور مداوم در مورد آنچه زندگی اجتماعی آنها را تشکیل می‌دهد، قضاوت کنند.

آیا معطوف به خلقت جدید است؟ آیا معطوف به زمان حال و شر است؟ و اگر یکی از این دو است، چه چیزی باید تغییر کند یا چه چیزی باید حفظ شود؟ توجه کنید که یکی از این یادداشت‌ها را در آیه ۱۱ می‌بینیم، که در یک یا دو نامه دیگر پولس نیز آمده است، جایی که او اشاره می‌کند که در واقع این نامه را خودش نوشته است. نامه‌های پولس تقریباً مطمئناً دیکته شده بودند، اما او در آیه ۱۱ از فصل ۶ در یکی از یادداشت‌های پایانی می‌گوید، ببینید با چه حروف بزرگی با دست خودم برای شما می‌نویسم. بنابراین او احتمالاً این نامه را برای شخص دیگری دیکته کرده است.

اغلب، در انتهای نامه، نشانی از اینکه چه کسی واقعاً نامه را نوشته است، می‌یابیم. یعنی، کاتب یا منشی که دیکته پولس را یادداشت کرده چه کسی بوده است؟ ما نمی‌دانیم که او چه کسی بوده است، اما اغلب در انتهای این نامه‌ها یادداشتی می‌یابیم که پولس آن را امضا خواهد کرد، یا پیام خودش را خواهد نوشت.

و واضح است که او این را می‌نویسد چون نویسنده‌ی معمولی نیست. تشخیص این موضوع برای مردم دنیای مدرن کمی غیرمعمول است، اما در دنیای باستان، نرخ سواد بسیار پایین است. لازم نبود همه بخوانند، بنابراین اگر می‌توانستید بخوانید و بنویسید، شناخته می‌شدید.

اگر می‌توانستید بنویسید، به شما کاتب می‌گفتند. بدیهی است که برخی افراد می‌توانستند چیزهایی را بنویسند و پولس می‌توانست نام خود را در یک جمله یا چیزی شبیه به آن بنویسد، اما او در اینجا به نوعی نشان می‌دهد که یادداشت نهایی را می‌نویسد. نگاهی به پایان نامه‌های دیگر پولس و دیدن اینکه چه کسی واقعاً آنها را نوشته است، کمی جالب است.

اگر می‌خواهید با جمعی از مردم یک مسابقه کتاب مقدس داشته باشید، یکی از خنده‌دارترین آنها این است که پرسید چه کسی رومیان را نوشته است. و این کاملاً واضح است زیرا در رومیان ۱۶، ترتیوس به صراحت می‌گوید، من ترتیوس این نامه را نوشتم، که نشان می‌دهد او کسی است که دیکته را نوشته است. متأسفانه ما نمی‌دانیم چه کسی این نامه را نوشته است، و من می‌گویم که این کمی غم‌انگیز است زیرا، با این حال، هر کسی که این نامه را نوشته است، به اندازه مخاطبان غلاطیه، مورد آزمایش قرار گرفته است.

حتماً پاول آنقدر هیجان‌زده بوده که با چنان سرعتی حرف می‌زد که لزوماً نمی‌توانست جملات کامل را بنویسد. ما وقفه‌های دستوری داریم. این حرف فقط یک آشفتگی است که نشان‌دهنده‌ی حالت هیجان‌زده‌ای است که پاول در آن قرار داشته است.

به هر حال، ما در بجه کوچکی به ساختار حروف اوایل قرن اول باز می‌کنیم. در آیه ۱۲، پولس دوباره به انگیزه‌های خرابکارانه آشوبگران اشاره می‌کند، جایی که می‌گوید، اساساً، این مبلغان می‌خواهند برای همکارانشان در اورشلیم خوب به نظر برسند. وقتی می‌گوید، کسانی که می‌خواهند در جسم خوب جلوه کنند، سعی می‌کنند شما را مجبور به ختنه کنند، صرفاً به این دلیل که برای صلیب مسیح مورد آزار و اذیت قرار نگیرند، اتفاقی که برای یهودیان دیگر هم می‌افتد اگر آنها واقعاً با من برای ساختن این قوم چند قومی جدید خدا همکاری می‌کردند.

اما این مبلغان یهودی می‌خواهند به جسم شما ببالند، به نوعی از جسم به شیوه‌ای چندوجهی یا حداقل مبهم استفاده می‌کنند، به این معنی که هم ختنه آنها، مثلاً پوست ختنه‌گاه، و هم به این معنی که چگونه بر اساس این شیوه ارزیابی هویت جسمانی، هویت جدیدی برای خود ساخته‌اند. بنابراین آنها می‌خواهند به اورشلیم برگردند و بتوانند بگویند که ما این جامعه سابقاً بت‌پرست را، حتی پس از حضور پولس در آنجا، به یک جامعه یهودی واقعی تبدیل کرده‌ایم. اما البته، این یک افتخار خواهد بود، این یک افتخار در عصر قدیم خواهد بود، این یک نوع افتخار عصر شیطانی فعلی در تخیل پولس خواهد بود.

نکته جالب در آیه ۱۳، جایی که پولس می‌گوید کسانی که ختنه شده‌اند، حتی خودشان شریعت را رعایت نمی‌کنند، زیرا بر اساس برداشت پولس از امور، و این با رومیان ۲ همخوانی دارد، بین شنونده شریعت بودن یعنی کسی که صرفاً هویت یهودی دارد، و حافظ شریعت بودن تفاوت وجود دارد. و پولس در اینجا اشاره می‌کند که این افرادی که ادعا می‌کنند تابع شریعت هستند، در واقع تابع شریعت نیستند. از نظر پولس شما می‌توانید تابع شریعت باشید و تابع شریعت نباشید.

یعنی اگر شما یک فرد غیر یهودی و مطیع خدا هستید، این به معنای رعایت شریعت است، این به معنای مطیع بودن است. اما شما همچنین می‌توانید کسی باشید که از شریعت است، شنونده شریعت است، کسی که از اعمال شریعت است، و از شریعت نافرمانی کند، که او این افراد را در آیه ۱۳ دسته‌بندی می‌کند. کسانی که ختنه شده‌اند، اهل ختنه هستند، اما در واقع حافظ شریعت نیستند، زیرا می‌خواهند شما ختنه شوید تا به جسم خود ببالند، که پولس آن را عدم رعایت شریعت می‌داند.

از سوی دیگر، پولس یک لاف کاملاً متفاوت دارد و این به مفهوم صلیب شکل بودن برمی‌گردد، که مفهومی پربار است و در بسیاری از زمینه‌های زندگی کاربرد دارد. لاف پولس اساساً جایگزین است، به خصوص اگر آن را در قالب لاف قبلی پولس در نظر بگیرید، که در فیلیپیان ۳ درجچه‌ای به آن باز می‌شود - لاف زدن به هویت فریسی خود، لاف زدن به هویت یهودی خود، لاف زدن به دستاوردهای خود، لاف زدن به غیرت خود برای خدا، که او را به آزار و اذیت کلیسا سوق داد. برای پولس، او قبلاً این‌گونه بود.

اکنون، او فخر کاملاً متفاوتی دارد. اما هرگز نباید به جز صلیب خداوندان عیسی مسیح فخر کنم، و این به دلیل کاری که صلیب با او کرده است، قدرتمند است، که از طریق آن، از طریق صلیب، جهان برای من مصلوب شده است، و من برای جهان. بنابراین، پولس همچنان به صلیب، که نماد شرم مطلق است افتخار خواهد کرد.

این نماد مجازات اعدام امپراتوری است. این نماد باخت است. این نماد ضعف است.

این نماد تحت سلطه بودن است. این نماد محکوم بودن است. این نماد نفرین شدن توسط خداست، و پولس همه اینها را می‌پذیرد زیرا این وسیله‌ای بود که از طریق آن خلقت جدید خلق شد، و این وسیله‌ای است که پولس از این دنیای قدیمی به دنیای جدید آورده می‌شود.

و بنابراین پولس با خوشحالی آن را در بوق و کرنا خواهد کرد زیرا این [موضوع] او را آزاد کرده و او را برای تجربه قدرت رستاخیز مسیح آزاد ساخته است. این موضوع او را به دیگر مؤمنانش در مسیح پیوند داده و او را به واقعیتی حیات‌بخش رسانده است که او را در مسیر رستاخیز نهایی و مشارکت نهایی در خلقت جدید زمانی که کمال پادشاهی خدا فرا می‌رسد، قرار می‌دهد. پیش از این، تمام لاف‌های سابق او تنها محکومیت او را در نهایت تضمین می‌کرد.

آنها فقط نابودی او را تضمین می‌کردند، و فقط قطع ارتباط او را با تجربه کنونی حیات رستاخیز تضمین می‌کردند. بنابراین، صلیب واقعیت نویدبخش نهایی است، هرچند از نظر جسم، فقط نماد درد، ناراحتی شرم، ضعف، تحقیر و غیره است. اما این تناقض صلیب است، و این تناقض و شگفتی الهیات پولس است.

هرچه به صلیب نزدیک‌تر باشم، به قدرت رستاخیز نزدیک‌تر هستم. هرچه بیشتر سعی کنم خودم را از درد و تحقیر و رنج دور نگه دارم، بعیدتر است که واقعاً قدرت رستاخیز مسیح را تجربه کنم. به همین دلیل است که برای پولس، صلیب مایه مباهات اوست و این وسیله‌ای است که او را به دنیای قدیم مصلوب کرد و برای دنیای جدید زنده نگه داشت.

بنابراین، نه ختنه شدن چیزی است و نه ختنه نشدن، بلکه خلقتی تازه است. باز هم، این به نوعی اعتقاد بنیادی پولس برمی‌گردد که زندگی او را به سوی خلقت تازه سوق می‌دهد. همه این تمایزات قدیمی از بین رفته‌اند.

جنسیت، قومیت، و همه اینها از بین رفته است. اینها دیگر ارزش ما را تعیین نمی‌کنند. اکنون، ما آزاد هستیم. تا واقعاً از آنچه هستیم در این زمینه جدید زندگی رستخیز لذت ببریم.

نکته جالب در مورد این موضوع این است که این فقط یک جمله‌ی پایانی نیست. ما این را در آیه‌ی ۱۶:۵ می‌بینیم. ببخشید، آیه‌ی ۶:۵. زیرا ما، به واسطه‌ی روح و از طریق ایمان، منتظر... هستیم. متأسفم. من این را اشتباه متوجه می‌شوم.

اوه، ببخشید. این آیه ۵:۶ است. زیرا در مسیح عیسی، نه ختنه و نه نامختونی هیچ معنایی جز ایمانی که از طریق عشق عمل می‌کند، ندارند، که در ۶:۱۵ نیز تکرار شده است. زیرا نه ختنه چیزی است و نه نامختونی چیزی جز خلقتی تازه. نکته جالب توجه، چیزی است که پولس در آیه زیر می‌گوید: بر آنان که از این قانون پیروی می‌کنند، آرامش و رحمت باد.

... بنابراین، او به این می‌گوید یک قانون، یک قاعده، یک اصل. این قانون است. این چیزی شبیه به این است. شما می‌خواهید در مورد قانون جدید صحبت کنید.

این قانون جدید این است. هویت قومی شما، کل این دنیای قدیمی، دیگر اهمیتی ندارد. آنچه مهم است مشارکت در خلقت جدید است.

آنچه مهم است، ایمانی است که خود را در عشق به نمایش می‌گذارد. این یک قانون است. باز هم، به همین دلیل است که وقتی صحبت از خدمت روحانی می‌شود، باید کاملاً اصرار داشته باشیم که همه افراد در انجمن‌های ما از طریق زندگی‌های سرشار از عشق فداکارانه، از خودگذشتگی و خدمت، به طور کامل و ثمربخش مشارکت کنند.

و هر جا که نگرش‌های تفرقه‌آمیز، جناح‌گرایی یا اختلاف‌نظر یا تجزیه به زیرگروه‌ها در کلیساهای ما به گونه‌ای که نارضایتی و عدم رضایت را تقویت می‌کند، وجود داشته باشد، اینها فقط تحولات ناگوار در یک کلیسا نیستند. اینها تحولات مهلکی هستند. اینها تهدیدهای مهلکی برای حیات خلقت جدید هستند.

باز هم، ما معمولاً گناهان را بر اساس رادیواکتیوترین آنها رتبه‌بندی می‌کنیم و این زنگ خطر را به صدا در می‌آورد. اینها مواردی هستند که ما در آنها تنبیه کلیسایی را آغاز می‌کنیم، اما من فکر می‌کنم این نشان دهنده عدم درک اولویت کلیسا و اهمیت وحدت است. این یک قانون است.

خلقت جدید، ایمانی که خود را در عشق نشان می‌دهد. و در نهایت، این نکته که پولس می‌گوید، صلح و رحمت بر این قوم باد، بلکه بر اسرائیل خدا نیز باد. و این گفته بحث‌های بی‌پایانی را به دنبال داشته است. به خصوص افرادی که سعی می‌کنند قوم خدا در عهد عتیق را به قوم خدا در عهد جدید ربط دهند.

وقتی به نوعی از این بحث‌های الهیاتی در مورد همه اینها فاصله بگیریم، فکر می‌کنم کاملاً واضح است که پولس در واقع درباره اسرائیل خدا صحبت می‌کند. پولس از اصطلاح «غیریهودیان» استفاده نمی‌کرد. او درباره کلیسایی که اکنون نقش اسرائیل را بازی می‌کند صحبت نمی‌کند.

فکر می‌کنم هیچ راهی برای کتمان این واقعیت وجود ندارد که او درباره کلیسای اورشلیم صحبت می‌کند. او درباره مسیحیان یهودی صحبت می‌کند که واقعاً نقش خود را به عنوان قوم خدا در کنار سایر مسیحیان غیریهودی پذیرفته‌اند. این قوم، اسرائیل خدا نامیده می‌شوند.

غیریهودیانی که در ایمان هستند، مسیحیان، مسیحیان ترک، مسیحیان سوری، مسیحیان رومی یا مسیحیان مصری هستند. اما مسیحی یهودی بودن به معنای عضویت در قوم تاریخی خداست، اما قوم تاریخی خدا در واقع توسط خدا و کسانی که ادعای مسیح بودن دارند، ادعا می‌شوند. در اینجا چند یادداشت پایانی از غلاطیان آمده است.

پولس از این به بعد دعا می‌کند که هیچ‌کس برای من در دسردست نکند، زیرا من داغ‌های عیسی را بر بدن خود دارم. آنها این را می‌دانند. آنها این را می‌دانند زیرا وقتی او آنجا بود، او مظهر مرگ مسیح بود.

می‌دونید، اونا می‌دونن که اون علامت‌های مسیح رو روی بدنش داره. این یه جورایی پایان خنده‌داری برای این نامه‌ست. همونطور که یهوپی شروع شد، یهوپی هم تموم می‌شه.

فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شما باد، برادران. آمین. هیچ اشاره‌ای به اینکه چه کسی نامه را نوشته نشده است.

هیچ تعریف و تمجیدی از کسی که آن را حمل می‌کند وجود ندارد، که این با افسسیان و کولسیان متفاوت است. هیچ سلام پایانی مانند کتاب فیلیمون وجود ندارد، حتی چندین آیه در مورد سلام پایانی دارد. رومیان فصلی در مورد سلام‌های پایانی است ۱۶.

بنابراین به یک معنا، این نامه از جانب رسولی نوشته شده است که بسیار ناراحت و پریشان است، زیرا چندین کلیسای او که در آنها شاهد تولد حیات خلقت جدید بوده است، توسط پوپایی‌ها و ابعاد عصر شیطانی کنونی به عقب کشیده می‌شوند و با نابودی احتمالی روبرو می‌شوند، که این یک تراژدی مطلق خواهد بود. خب، در اینجا چند درس نهایی از نامه پولس به غلاطیان برای هویت مسیحی و الهیات پولس آورده شده است. اول از همه، همانطور که بسیاری از مردم اکنون تشخیص می‌دهند، و من کاملاً با این موضوع موافقم، در مورد پولس و یهودیت، پولس یهودی است، کاملاً یهودی است، از یهودی بودن خود عذرخواهی نمی‌کند، و در مورد الهیات خود، هیچ مشکلی با یهودیت ندارد.

در واقع، من فکر می‌کنم در غلاطیان ۱، اشاره او به یهودیت مربوط به آن نوع یهودیت مکابی است که زیرگروهی در قوم یهود است که به دنبال پاکی قوم یهود هستند. او واقعاً هیچ دیدگاهی نسبت به یهودیت ندارد، چیزی که می‌توانیم در نامه‌هایش تشخیص دهیم. از نظر پولس، دو گروه از مردم وجود دارند

افرادی هستند که مطیع خدا هستند، چه غیریهودی باشند و چه یهودی، و افرادی که نافرمان هستند. این تمایز اوست. افرادی هستند که جزو قوم خلقت جدید خدا، یهودی یا غیریهودی، هستند و افرادی که خارج از این دسته قرار دارند و او می‌خواهد آنها را به جمع قوم خلقت جدید خدا وارد کند.

وقتی صحبت از رعایت شریعت برای پولس می‌شود، از آنجایی که او لزوماً تمایزی بین عهد عتیق و عهد جدید نمی‌بیند، از وجود عهد جدیدی آگاه نبود. برای او، کتاب مقدس فقط عهد عتیق بود. رعایت شریعت، نقل قول کامل، صرفاً به اطاعت از خدا و انجام آنچه کتاب مقدس می‌گوید مربوط می‌شود.

رعایت شریعت برای یهودیان به معنای یهودی ماندن و رعایت آنچه که به نظر می‌رسید وفاداری در میان قوم اسرائیل است، می‌باشد. رعایت شریعت برای یک مسیحی غیریهودی به معنای اطاعت از مسیح، اطاعت

، از عیسی، ایمان ورزیدن به عیسی، مشارکت ثمربخش در میان قوم جدید خدا و شناخت خدای اسرائیل بود، اما نه پذیرش اجزای خاص اسرائیلی شریعت موسی. می دانم که این پیچیده است، اما برای ارتباط با خدای اسرائیل، هیچ راه دیگری برای شناخت او جز از طریق کتب مقدس اسرائیل وجود ندارد.

، بنابراین اینها متون مقدس کلیسا هستند، اما نقش نوعی منشور ملی را آنطور که برای یهودیان ایفا می کنند ایفا نمی کنند. این تمایز باید در نظر گرفته شود. اما شما همچنان می توانید به عنوان یک غیریهودی، ناظر قانون باشید، در حالی که حتی از نظر پولس، برخی از یهودیان به دلیل اینکه آنچه را که قانون می گوید انجام نمی دهند، حتی اگر در ذهن خود فکر کنند که انجام می دهند، به آن پایبند نیستند.

، وقتی صحبت از کاربرد معاصر می شود، فکر می کنم باید در هر فرهنگی که غلطیان را می خوانید، هر فرهنگی بسیار هوشیار باشیم. من یک مسیحی آمریکایی هستم و فکر می کنم بر کلیسای آمریکا واجب است که تمام قبیله گرایی های را که بر فرهنگ ما، چه سیاسی، چه فرقه ای و چه منطقه ای، تأثیر می گذارند، تشخیص دهد، آیا شما اهل شرق هستید یا غرب؟ آیا اهل شمال هستید یا جنوب؟ آیا جمهوری خواه هستید یا دموکرات محافظه کار هستید یا لیبرال؟ صرف نظر از نوع مکتب فکری یا وابستگی فرقه ای یا حزب سیاسی که به آن تعلق دارید، فکر می کنم تشخیص این تمایزات در فرهنگ ما، تشخیص اینکه چگونه آنها مردم را در مقابل یکدیگر قرار می دهند، بسیار مهم است و حتی اگر وفاداری یا وابستگی داریم، باید مطمئن شویم که به عنوان مسیحیان آمریکایی، اجازه نمی دهیم این چیزها محل خصومت یا درگیری باشند.

من باید مطمئن شوم که حتی به عنوان یک آمریکایی، این چیزی نیست که من به عنوان هویت اساسی خود در برابر مردم سایر ملت ها داشته باشم. من یک مسیحی هستم. من بخشی از یک ملت کاملاً جدید هستم که در آن به مسیحیان دیگر عمیق تر و شدیدتر از آنچه به آمریکایی های دیگر تعلق دارم، تعلق دارم، هرچند می توانم از بهترین بخش های آمریکایی بودن لذت ببرم، که همینطور هم هست.

من از تقویم لذت می برم. عاشق ورزش هایمان هستم. من عاشق معنای آمریکایی بودن هستم، چون احساس می کنم می توان به عنوان یک آمریکایی به جمع بندگان خدا پیوست، اما باید این را هم تشخیص بدهم که این کار واقعاً چقدر پیچیده است.

چگونه می توانم بر هویت بنیادی ام به عنوان فردی که در مسیح به خانواده خدا پیوسته ام تمرکز کنم و اجازه دهم هویت های دیگر نقش کمتری در نحوه معاشرت من با دیگران، نحوه نگاهم به جهان و نحوه نگرشم به دیگران داشته باشند؟ این همیشه یک واقعیت پیچیده خواهد بود، اما مانند پولس، هویت من در صلیب است. کلیسای من هویت خود را در صلیب دارد و این چیزی است که بیش از هر چیز دیگری مرا شکل داده است. و در نهایت، من شما را به خاطر ثمربخشی رویای آخرالزمانی پولس تحسین می کنم.

یعنی اینکه پولس چگونه کلیسا را در میان تلاقی اعصار، در محل درگیری قلمرو کیهانی می بیند و چگونه می توانم نگرش ها و رفتارهای شخصی را تحلیل کنم. می توانم در مورد موضع خود در قبال دیگران فکر کنم. می توانم روابط و پویایی های جامعه را در حالی که تحت تأثیر جسم قرار می گیرند، تحلیل کنم.

من می توانم پویایی های جامعه را تا جایی که خدا می خواهد جوامع را برکت دهد و آنها را بر اساس زندگی رستاخیزی شکل دهد، که همیشه توسط صلیب جهت گیری می شود، تجزیه و تحلیل کنم. این برای من به دریچه ای تبدیل شده است تا از طریق الهیات پولس ببینم، اما همچنین به دریچه ای تبدیل شده است تا در مورد موقعیت های شبانی، در مورد روابط فکر کنم، و می دانم که برای بسیاری دیگر مثر ثمر بوده است. خب، امیدوارم این مطالعه غلطیان برای شما زندگی بخش بوده باشد.

من فقط شما را تشویق می‌کنم که آن را بخوانید، با دقت بخوانید، کاملاً بخوانید و از آن لذت ببرید.  
امیدوارم که این منبعی از قدرت حیات‌بخش خدا برای شما شود.

این دکتر تیم گومبیس در حال تدریس در مورد کتاب غلاطیان است. این جلسه ۸، غلاطیان ۶: ۱-۱۸ است.